



درباره نژادپرستی در جهان کنونی

"نژادپرستی" دارای دو مشخصه اصلی است: 1- اعتقاد باینکه ویژگی های نژادی موجب شکل گیری خصائص روانشناختی (یعنی شخصیتی) و توانائی های ذهنی (شخصیتی) در افراد بشر میگردد؛ و 2- دارای گرایش به اعمال برتری گروه نژادی از نظر خودش باصطلاح برتر خویش بر سایر گروههای نژادی طبعاً در حیطه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره میباشد. راسیسم (نژادپرستی) این دو مشخصه را با هم دارا هست.

ادامه در صفحه ۵

زنان کارگر قربانیان اولیه سیاست های نولیبرالیستی

برخی ها عادت کرده اند با تکرار طوطی وار فورمولها ئی که توسط تئوریسین ها و سخنگویان انحصارات سرمایه داری و ستادهای رهبری آنان نظیر بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول ارائه میشوند، برای معضلات اجتماعی کشور خود راه حل ارائه دهند. این تقلید و عادت درکشورهای عقب مانده سرمایه داری که نیروی کارازران و منابع مواد خام و بازار آن مورد مناقشه سرمایه جهانی است، تقریباً به عادت روز تبدیل شده است. این عادت درکشورما ایران نیز که درگیر یک حکومت مذهبی ارتجاعی است و روشنفکران و جریانات سیاسی آن، رابطه مستقیمی با کارو زندگی توده های مردم ندارند، به شدت رواج داده میشود.

ادامه در صفحه ۳

دوم اسفند و پیروزی اراده و آگاهی مردم

ساعت 24 روز جمعه دوم اسفند ماه 1398 مضحکه «انتخابات»ی رژیم جمهوری اسلامی با آگاهی و اراده توده های زحمتکش مردم با شکست کامل پایان یافت. این شکست در به پای صندوق کشاندن مردم بمنظور نشان دادن مشروعیت نظام، آنقدر سنگین بود که دست اندرکاران «انتخابات» برخلاف همیشه از اعلام میزان مشارکت مردم درنمایش انتخاباتی بعد از اتمام زمان رای گیری، خودداری کردند. و سرانجام ۴۸ ساعت بعد وزارت کشور با آمار ساختگی، میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را اعلام کرد. به گفته وی ۴۲ و ۵۷ دهم درصد واجدان شرایط رای دهی در این رای گیری شرکت کرده اند.

اعلام نکردن بموقع درصد شرکت واجدین رای درکل کشور، آمار ارائه شده توسط وزیر کشور را باشبهات زیادی مواجه کرده است. علاوه براینکه به گفته روحانی: اخذ آراء دیجیتالی بوده و تعداد مشارکت کنندگان هرلحظه بصورت آنلاین میتوانست به اطلاع عموم برسد(که این قول بنا به مصلحت نظام عملی نشد!)، مسئولین انتخابات مثل همیشه میتوانستند با احتساب تعرفه های مصرف شده بلافاصله میزان مشارکت را اعلام کنند. این سکوت طولانی در اعلام درصد مشارکت کنندگان در انتخابات شباهت بسیاری به تعلل در اعلام آمار جانباختگان آبان 98 و دروغ بافی مقامات در جریان سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اکرانین توسط سپاه میباشد...

ادامه در صفحه ۲

سیاهکل در پویه زمان و اندیشه نسل جوان

(متن سخنرانی رفیق سالار حسامی در مراسم گرامیداشت حماسه سیاهکل در آلمان - هانوفر).

افشاندن. با هزاران درود به جانهای شیفته ی در خون خفته ، به جانهای باغی دربند و به خاطره ی آن گوزن های عاشق که در تاریکی دوران ستم شاهی، دورانی که بقول شاعر حتی به نسیم هم بی پرس و جو اجازه ی رفتن نمی دادند، درخشیدند و حماسه ها آفریدند و آن خضر سرخ پوش شدند که خاکستر خجسته ی ققنوسی را بر دشت مرده

ادامه در صفحه ۳

نامه سرگشاده به طیف سچفخا اقلیت و همه فدائیانیکه به آرمانهای انقلابی، آزادخواهانه و سوسیالیستی بنیانگذاران سازمان پایبندند.

صفحه ۴

در صفحات دیگر:

- * حماسه ۱۹ بهمن همواره جاودان خواهد ماند (اطلاعیه کمیته ایالتی تهران) صفحه ۴
- * اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست در مورد " نه بزرگ مردم به نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی ایران صفحه ۶
- * رفتن به پای صندوق های «رای» بمنزله تایید سرکوبگری و غارتگری رژیم جمهوری اسلامی است صفحه ۱۲
- * پیام سازمان راه کارگر به سازمان فدائیان کمونیست و سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل صفحه ۱۳
- * گزارشی از مراسم چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در هانوفر آلمان صفحه ۱۴

دوم اسفند و پیروزی اراده و آگاهی مردم

...ادامه از صفحه اول

این درحالی است که فضای عمومی سطح آگاهی و تنفر توده های مردم و فضای مجازی امکان پنهانکاری و فریب افکار عمومی را نمیدهد و علاوه بر آن خالی بودن حوزه های رای گیری در دوم اسفندماه نشان میدهد که مشارکت عمومی بسیار پائین تر از آن است که وزارت کشور بعد از گذشت 48 ساعت از پایان رای گیری، اعلام کرده است.

اینکه در جمهوری اسلامی از همان ابتدا «انتخابات» معنی نداشته و زیر تیغ استبداد و سرکوب و بی حقوقی توده های مردم، طبقه حاکم هر بار عده ای از ذوب شدگان در ولایت فقیه را دستچین و با هر ترفندی تحت عنوان دروغین نماینده «مردم» به مجلس ارتجاع گسیل میکند تا جناح های مختلف از قدرت و امکانات رانتی بهره ببرند و گوش بفرمان ولی فقیه هر طرحی را مصوب و یا از دور خارج کنند، بر همگان معلوم و نشئت رسوائی اش بر سر هر بام زده شده است. اما برای مقبول و مشروع جلوه دادن همین نمایشات مضحک و برای اینکه آنرا بعنوان «انتخابات» بخورد افکار عمومی بدهند، همواره نیاز به فریب و کشاندن تعداد قابل توجهی از مردم به پای صندوقهای رای و گرم کردن تنور انتخابات از اهداف طی چند سال گذشته بود. امسال نیز همه ترفند ها به کار گرفته شد، کارنوالهای مضحکی براه انداختند، تبلیغات وسیعی صورت گرفت و خود خامنه های بارها اعلام کرد که: شرکت در انتخابات جهاد فی سبیل الله است و دست آرنیز قول داد که انتخاب نمایندگان با اکثریت قاطع آراء واجدین شرایط به یک جشن ملی تبدیل خواهد شد!!

خامنه ای در توجیه نه، بزرگی که در دوم اسفند از توده های مردم به جان آمده دریافت کرد. قول و قرارهای پیشین خود را فراموش کرد و این شکست سهمگین را مثل همیشه به دشمنان خارجی نسبت داده و گفت: این تبلیغات منفی از چند ماه قبل از آغاز نزدیک شدن به انتخابات بیشتر شد و در دروز آخر به بهانه بیماری

و ویروس، رسانه های آنها از کمترین فرصت برای منصرف کردن مردم از حضور در انتخابات چشم پوشی نکردند.»

اما از پیش معلوم بود که تلاشهای رژیم برای کشاندن توده های مردم به پای صندوقهای رای در این برهه زمانی، تلاشی بود عبث و آرزوی خامنه ای و دیگر سردمداران رژیم نیز آرزوی است بربادرفته. چراکه توده های مردم بیش از این در اعتصابات کارگری و درخیزشهای عظیم اجتماعی، نظیر خیزش آبانماه رای و نظر خود را مبنی بر اینکه خواهان سرنگونی کلیت رژیم هستند با هزار و یک زبان و شعار و مقاومت دلیرانه در برابر سرکوبگریهای رژیم، بیان کرده بودند و مدتها است که مضحکه «انتخابات» رژیم از طرف توده های رنج و کارمهر باطل خورده است. اینکه هنوز عده ای بالاچار ویا از روی نا آگاهی و توهم ویا منافع اقتصادی به پای صندوقهای رای کشانده شده اند و مترسک هایی که منتصب شده اند تا قتل و غارت اموال عمومی را، این بار در لباس «نماینده مردم» به پیش ببرند و آرائی که ساخته و پرداخته شدند تا درصد قابل باوری را به افکار عمومی حقتنه کنند، تغییری در توازن قوای تغییر یافته به نفع توده های مردم و شعار «جمهوری اسلامی نابود باید گردد» نمیدهد و شعبده بازی انتخابی دوره یازدهم و تحریم قاطع شرکت در آن توسط اکثریت عظیم توده های مردم، نتیجه ای جز خاری و خفت برای مافیای قدرت و ثروت و همبستگی اکثریت عظیم توده های زحمتکش مردم در بر نداشته و بدون تردید مبارزات اقتصادی، سیاسی توده های مردم و مبارزه برای پایان دادن به ستم و استثمار زور و سرکوب با هدف سرنگونی انقلابی کلیت رژیم ادامه داشته و گسترش خواهد یافت.

دوم اسفند رشد آگاهی و اراده توده های مردم را در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، در ابعادی گسترده به نمایش گذاشت.

بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی ایران و روند تکامل نظام سرمایه داری و اشکال مختلف سیادت سیاسی آن نشان می دهد که نظام سرمایه داری در ایران هر شکل سیاسی ای که بخود بگیرد، قادر به حل معضلات جامعه در جهت آزادی، عدالت اجتماعی و رشد و شکوفائی انسانها نیست. ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است. اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و نظامی بورژوازی و برقراری نظامی فدراتیو و شورائیت که در آن اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگانی خود می پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار انسان بوسیله انسان، از تبعیض جنسی و نژادی، از سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و از بیکاری، بی مسکنی، فقر و تبعیض جنسی، از انهدام محیط زیست و... خبری نباشد، اقدام می کنند

زنان کارگر قربانیان اولیه سیاست های نئولیبرالیستی

یدی شیشوانی



زنان آنها را با حقوقی بسیار کمتر از مردان و بصورت کنتراتی و یا کوتاه مدت اما بادرجه استثماری شدیدتر به کارمیگمارند. علاوه برآن در شرایط عدم وجود تامین شغلی و فشاررقابت، باعث میشود اغلب کارگران مرد نیز این تبعیض جنسی را در محیط کار پذیرا شوند و گاه خود نیز به آن دامن بزنند.

به همین نسبت که زنان شانس کمتری برای یافتن کار در کارخانه های بزرگ دارند، کارگاه های کوچک کمتر از 10 نفر کارکن پذیرای استخدام تعداد بیشتری از زنان هستند، چرا که این کارگاه ها کلا از شمول قانون کار خارج هستند و بنابراین هیچگونه مزایایی از جمله مرخصی دوران زایمان و مهد کودک و غیره به کارگر زن تعلق نمی گیرد و کارفرما ضمن استنثار شدید و دلخواهی کارگرزن، هروقت که خواست بدون پرداخت دیناری خسارت آنها را اخراج میکند و میدانیم که کارگاه های کوچک در ایران بسیار زیاد و همه جا پراکنده هستند و میلیونها کارگر در این کارگاه ها به کار مشغولند. فقط نزدیک به یک میلیون از این کارگران در فرشبافیها باشرایطی طاقت فرسا و بادستمزدی کم استنثار میشوند.

در راستای اجرای سیاست نئولیبرالیسم و پیاده کردن دستورات بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول، زنان کارگر بیشترین فشار تبعیض و استنثار و بی حقوقی را متحمل میشوند. علاوه امروزه در عرصه تامین سوده های کلان در بازار رقابت کالاها، زنان خانه دار و صد ها هزار زنی که از روستاها مهاجرت کرده و در حاشیه شهرها مسکن گزیده اند نیروی کار ارزانی را در اختیار سرمایه داران و شرکتهای کوچک و بزرگ قرار میدهند. شرکتهای پیمانکاری نیروی کار این زنان را بصورت اجاره و با قراردادهای کوتاه مدت و خارج از قوانین کار اجیر کرده و در اختیار شرکتهای دیگر قرار میدهند تا در امور خانه داری، نظافت و همیاری از معلولین و سالمندان و غیره بکار گرفته شوند و بخش زیادی از دستمزد این کارگران را شرکت های اجاره دهنده به جیب میزنند و سرانجام آنچه که باقی میماند نان خور و نیمیری بیش نیست.

علاوه بر آن، بخش زیادی از این کارگران زن، بخشی از تولیدات کوچک و کارهای

زندگی در نتیجه عملکرد سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم باقی نمیگذارد.

در این میان زنان کارگر بیشترین فشار اقتصادی و تبعیضات جنسی را متحمل میشوند. زنان کارگر علاوه بر تحمل مشکلاتی که کارگران عموماً با آنها دست بگریبان هستند، با مشکل تبعیض جنسی و تشدید این تبعیض در شرایط جدید مواجه بوده و از آن رنج میبرند. تبعیض در خانواده، در محیط کار و در اجتماع بر زندگی کارگران زن تاثیرات ویران کننده ای برجای میگذارد. این وضع کم و بیش همه کشورهای جهان از جمله کشورهای پیشرفته سرمایه داری را نیز شامل میشود که بویژه با پیاده کردن قوانین نئولیبرالی تشدید شده است.

در ایران که زنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود برخوردار نیستند، تبعات این سیاست تاثیراتی به مراتب سخت تر از کشورهای دیگر بر کار و زندگی زنان باقی میگذارد.

با پیاده کردن سیاست «تعدیل نیروی انسانی» زنان کارگر کارخانه ها و کارگاه ها اولین دسته ای از کارگران هستند که موج اخراج سازیها دامنشان را میگیرد. با رواج قراردادهای موقت که به قراردادهای برده ساز معروفند، کارگران زن از دور رقابت در بازار کار کنار زده میشوند و در بعضی رشته ها هیچگونه شانس حتی برای استخدام موقت با حقوقی بمراتب پائین تر از مرد بدست نمیآورند. کارفرمایان و صاحبان سرمایه قبل از خرید کارخانه های دولتی خواهان آن میشوند که دولت به همزمان با تعدیل نیروی کار، زنان بیشتری شامل اخراج ها و باز خرید ها شوند، چراکه آنها پرداخت هزینه دوران بارداری و بعد از وضع حمل و مهد کودک و غیره را مقرون به صرفه نمیدانند. در صورت نیاز به کار

برخی ها عادت کرده اند با تکرار طوطی وار فورمولها ئی که توسط تئوریسین ها و سخنگویان انحصارات سرمایه داری و ستادهای رهبری آنان نظیر بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول ارائه میشوند، برای معضلات اجتماعی کشور خود راه حل ارائه دهند. این تقلید و عادت در کشورهای عقب مانده سرمایه داری که نیروی کار ارزان و منابع مواد خام و بازار آن مورد مناقشه سرمایه جهانی است، تقریباً به عادت روز تبدیل شده است. این عادت در کشور ما ایران نیز که درگیر یک حکومت مذهبی ارتجاعی است و روشنفکران و جریانات سیاسی آن، رابطه مستقیمی با کار و زندگی توده های مردم ندارند، به شدت رواج داده میشود. بسیاری از آنها ورود نئولیبرالیسم در عرصه اقتصاد جهان را واقعا «پایان تاریخ» میدانند و برغم اینکه ممکن است گاهی با این استنتاج هم مخالفت داشته باشند.

آنها مدعی هستند که با اعمال سیاست نئولیبرالیستی و جهانی سازی شرایط کار و زندگی کارگران بویژه کارگران زن بهبود مییابد. معضلات اجتماعی در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حل میشوند و یا روبه حل شدن خواهند گذاشت. اما واقعیت موجود در سراسر جهان پوچ بودن چنین ادعائی را به اثبات میرساند.

بروز جنگهای منطقه ای تشدید تضادهای طبقاتی، سوء تغذیه، ابعاد وسیع بیکار سازیها و ترس از بیکاری و نبود تامین شغلی، باز پس گیری دست آوردهای طبقه کارگر و تحدید و یا لغو تامينات اجتماعی، رواج قراردادهای موقت و کارکودکان و گسترش اعتیاد، فحشا و تجارت انسان و گسترش سایر ناهنجاریهای اجتماعی جایی برای عوامفریبی مدعیان بهبود شرایط

حماسه ۱۹ بهمن همواره جاودان

کمیته ایالتی تهران

خواهد ماند

منطقه خاورمیانه برای نجات اسلام، نتیجه این چهل سال افزایش وحشتناک فقر و بی عدالتی و شکاف طبقاتی وحشتناک، بی خانمانی، گرسنگی، فساد غیر قابل وصف، نابودی تمام منابع و ثروتهای ملی، نابودی محیط زیست، در یک کلام ماحصل حاکمیت جمهوری اسلامی جز مرگ و نیستی و تباهی چیزی نبوده، آنچه طی این سالها به بقاء رژیم کمک به سزایی کرد مذهب بود، جمهوری اسلامی طی این سالها همواره با برانگیختن احساسات کور مذهبی توده ها و بسیج آنها بهترین استفاده را کرد. بعد از چهل سال اینک که جمهوری اسلامی با بزرگترین بحران سیاسی و اقتصادی خود مواجه شده، حنای مذهب هم در بین مردم رنگی ندارد و نمیتواند به دانش برسد. اینک که توده های خسته و به جان آمده از چهل سال مرگ و ویرانی و تباهی بپا خواسته اند تا حقوق خود را از حلقوم سفاکان حاکم بیرون کشند باید بدانند در برابر رژیم تا دندان مسلح و جنایتکار جمهوری اسلامی فقط با تشکل و سازمان دهی میتوانند به اهداف خود دست یابند و ما که خود را بخشی از نیروی کار و زحمت میدانیم تحت هر شرایطی در کنار کارگران، معلمان، دانشجویان هستیم و برای متشکل و مسلح کردن صفوف پیکار جویان از هیچ تلاشی فروگذار نمیکنیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

کمیته ایالتی تهران 16/11/98

قریب به پنجاه سال پیش در جنگلهای سیاهکل حماسه ای رقم خورد که برگ زرینی در تاریخ مبارزه بر علیه رژیم پهلوی گشود رفقای ما با حمله به پاسگاه سیاهکل و مبارزه تا آخرین فشنگ با نیروهای سرکوب گر رژیم پهلوی و مقاومت در اسارت گاهها و تقدیم جان خود به انقلاب، با اعلام تولد " سازمان چریکهای فدایی خلق ایران " از یک سو حیاتی دوباره به کالبد بی جان و محتزر کمونیستی ایران دمیدند و نشان دادند علیرغم خیانتهای حزب ورشکسته توده، کمونیسم همیشه زنده و استوار در برابر نظام سرمایه داری ایستاده است و از سوی دیگر جو ارباب و خفقانی را که رژیم شاه با درنده خویهای نیروهای سرکوبگرش ساخته بود و در اغلب خانه ها " دیوار موش دارد موش هم گوش دارد " ورد زبان مردم بود، شکستند. رژیم پهلوی که بعد از کودتای 28 مرداد و حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکا با قلع و قمع گسترده مخالفین در داخل قدر قدرتی کاذبی کسب کرده بود و خود را ژاندارم منطقه میدانست و به سوی تمدن بزرگ روان بود به یکباره دریافت آنچه ساخته کاخی پوشالی بیش نیست و حرکت فداییان در سیاهکل تمام این کاخ را به لرزه در آورد. تداوم راه رفقای جان باخته سیاهکل توسط رهروان آنها به جرأت میتوان گفت زمینه ساز قیام توده ها در 22 بهمن 57 و فرو ریختن کامل این کاخ گردید ولی متأسفانه در نبود تشکل قدرتمند طبقه کارگر که از دست آوردهای قیام توده ها پاسداری کند، آنچه به دنبال فروپاشی رژیم شاه بنا نهاده شد سلطه دوباره بورژوازی با کمک امپریالیستها بود که در کنفرانس گوادالوپ طرح آن ریخته شد، این بار با رنگ و لعاب مذهب به مراتب مخوف تر و جنایت کارتر از رژیم پهلوی و نتیجه آن چهل سال غارت و چپاول با توجیهات دینی، چهل سال کشتار و جنایت با توسل به اسلام، چهل سال ویرانی و جنگ و در ایران و

کارخانه های بزرگ را درخانه با حقوقی بسیار ناچیز و به صورت کنتراتی انجام میدهند و کارفرماها علاوه بر پرداخت دستمزد کم، عملاً پول محل کار و هزینه هائی نظیر ایاب و ذهاب و برق و آب را هم به حساب کارگر به جیب میزنند. مدیران این شرکت ها از کارگران سفته های سفید امضا میگیرند و برای اینکه عیدی و سنوات و سایر مزایا را نپردازند از همان بدو به کارگماردن کارگران، از آنها برگ تسویه حساب سفید امضا میگیرند تا زمان اخراج کارگر هیچگونه امکانی برای شکایت نداشته باشد. اخیراً نیز با رواج این شیوه استثمار، این قراردادها به فصله زمانی بسیار کمتر، تا شش - هفت روزه هم پائین آورده شده است. در واقع امر نوعی برده داری را بر محیط های کارگری حاکم کرده اند. اینها فقط نمونه ای از هزاران نوع تضییق و تبعیضی است که تحت لوای نئولیبرالیسم و بازار آزاد بر کارگران بطور کلی و بر کارگران زن بخصوص تحمیل میشود. برای کارگران در این وضعیت اسف بار چاره ای نمانده است جز اینکه متحد و متشکل شوند و برای مقابله با تعرضات سرمایه داری از تجربیات خود و کارگران دیگر کشورها سود جسته و مبارزه خود را گسترش دهند. خواست ها و مطالبات زنان کارگر علاوه بر خواست های فوری طبقه کارگر نظیر: قراردادهای دسته جمعی، جلوگیری از اخراجها، بیمه همگانی آزادی اجتماع، بیان، تشکل، تحزب، اعتصاب خواستهائی نظیر داشتن فرصت های برابر شغلی، رفع تبعض جنسی، دستمزد برابر درازای کار برابر با مردان، امکان دست یابی به آموزش حرفه ای، مهد کودک، حق مسکن، مرخصی قبل و بعد از زایمان با پرداخت حقوق به همراه تضمین شغلی آزادی پوشش و لغو حجاب اجباری از جمله خواسته های فوری زنان محسوب میشوند.

تحقق مطالبات فوق تنها با تشکل و اتحاد زنان کارگر و مبارزه متشکل به همراه دیگر کارگران و در اتحاد با دیگر نیروهای اجتماعی نظیر پرستاران، معلمان، دانشجویان و غیره میسر خواهد بود.

یدی شیشوانی آذر 82

بازنشر سوم اسفند 1398

درباره نژادپرستی در جهان کنونی

حمید پویا



... ادامه از صفحه اول

ممکن است کسانی باشند که تا اندازه ای اعتقاد نخست را داشته باشند ولی گرایش مذکور دوم را نداشته باشند، و این کسان نژادپرست محسوب نمی‌شوند.

"نژاد" - که راسیسم بر آن اتکاء دارد - بر تفاوت های ظاهری بیولوژیکی (شامل رنگ پوست، رنگ مو، نوع مو، رنگ چشم و امثال آن) انسانهای معینی با سایر انسانها دلالت مینماید. همانطور که میدانیم، در دوران کنونی در واقع پنج گروه نژادی در میان افراد بشر وجود دارد: نژاد سفید، نژاد زرد، نژاد سیاه، نژاد قرمز و نژاد استرالیایی شامل بومیان استرالیا. هریک از این گروههای نژادی شکل صرفاً ظاهری معین خودش را دارا هست که از این لحاظ کمی یا تا حدودی از سایر گروهها متفاوت میباشد. البته در داخل هر گروه نژادی هم افراد ممکن است بلحاظ ویژگی های بیولوژیک باهم تفاوتهایی داشته باشند.

از نقطه نظر نژادپرست ها معمولاً نژاد سفید بعنوان نژاد برتر به شمار میرود و چهار نژاد دیگر بویژه نژاد سیاه نژادهایی پست. معذک عقیده به برتری نژادی گروه معینی از سفید پوست ها نسبت به دیگر سفید پوستها و البته نسبت به رنگین پوستها و همچنین عقیده به تقسیم گروههای معین مختلف سفید پوست از همین دیدگاه برتری نژادی در تاریخ و جود داشته و هنوز وجود دارد؛ مثلاً اعتقاد هیتلر و نازی ها به برتری " نژاد آلمانی" و نژادپرستی ویژه آنان در آن زمانها که بسیاری از مردم دنیا درباره آن کمتر یا بیشتر میدانند.

تعلق به یک ملت معین یا یک گروه قومی یا یک گروه از انسانهای دارای زبان ویژه را نیز برخی کسان تعلق نژادی محسوب مینمایند اما با کمی دقت دیده میشود که این نام گذاری یا کار برد این واژه "نژاد" در اینگونه موارد، از نقطه نظر صحیح علمی، معمولاً بجا و درست نیست. مقوله نژاد یا نژادی بطور صحیح تنها در مورد پنج نژاد فوق الذکر و بنابراین - منهای موارد استثنایی- در مورد "نژادپرستی" آنطور که تعریف شد صدق میکند.

بطور اختصار، راسیسم عبارتست از آن ایدئولوژی یا جهان بینی که بطور ناصحیح، غیر علمی خصیصه های شخصیتی روانی افراد بشر را، بعنوان چیزهایی اساساً غیر اکتسابی،

وابسته به ویژگی های صرفاً ظاهری بیولوژیک آنان میدانند، و "برترین" این خصیصه ها را متعلق به نژاد سفید یا بخشی از این نژاد محسوب میکند؛ و قویاً دارای گرایش کاملاً نانسانی و ستمگرانه به اعمال هژمونی گروه نژادی خودش بر سایر گروههای نژادی و حکومت بر مردمان کشورها بر اساس چنین نقطه نظرات نژادی خویش میباشد. و غیره.

نژادپرستی از یک نفع یا نیاز مادی بورژوازی منشاء میگیرد. یک نفع یا نیاز مادی این طبقه اجتماعی عبارت از استفاده از هرگونه امکان (تاریخی، سیاسی، اقتصادی، معنوی، نژادی و غیره) در دسترس برای اینکه انسانها را هرچه بیشتر تحت انقیاد و استثمار خود درآورد. فی المثل در شرایط تاریخی و اجتماعی ای که او میتواند از وجود تمایزات نژادی برای به انقیاد کشیدن و بهره کشی بیشتر از افراد متعلق به نژاد باصطلاح "پست" بهره برداری نماید، ممکن است چنین کند. این پدیده در واقعیت البته ممکن است تنها در گروههای خاصی از بورژوازی بوجود آید و نه در تمام آنها؛ زیرا بعضی از گروههای بورژوازی تا حدودی بیشتر یا کمتر لیبرال یا ناسیونالیست یا مذهبی هستند و نه نژادپرست و غیره و غیره. نژادپرستی، گرایشات فکری و اخلاقی راسیستی، که اینگونه منشاء میگیرند ممکن است در میان گروههایی از توده های مردم اشاعه پیدا کنند، و این جریان از طریق ترویج و تبلیغ و نیز تلقین راسیسم توسط احزاب یا اشخاصی در میان مردم یا از طریق آموزش کودکان توسط والدین نژادپرست آنها و غیره انجام میگیرد.

امروزه راسیسم در سطح جهانی و در بسیاری از کشورها بطور قابل توجهی در اشکال مختلف یا بطور یکسان وجود دارد. من در این زمینه بطور اختصار مثال های متعددی را بشرح زیر آورده ام و متذکر میگردم که چون اطلاعات من در اینباره اندک است ممکن است در اظهارات من نواقص و اشکالاتی هم جود داشته باشد:

- در آفریقا فی المثل در کشورهای مذکور در ذیل راسیسم به شرحی که آمده است وجود دارد :

در موریتانی گروهی از اعراب سفیدپوست بنام " ماورها" بر سیاهپوستان اعمال برتری نژادی میکنند و بعضی از آنان در حوزه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی صاحب قدرت هستند یعنی بر کشور حکومت میکنند. افراد معمولی ماورها نیز نسبت به سیاهپوستان در زمینه های مختلف از امتیازاتی برخوردارند مثلاً در زمینه برخورد پلیس به افراد یا در مدارس کودکان تبعیضاتی علیه افراد سیاهپوست مشاهده میشود.

در آفریقای جنوبی، علیرغم اینکه مدتی طولانی است که سفید پوستان حکومت را در اختیار ندارند، راسیستهای سفید پوست بسیار خودنمایی و عرض اندام نموده و در اشکال مختلف علیه مردم سیاهپوست مبارزه و فعالیت مینمایند.

در زیمبابوه وجود باصطلاح "تبعیض نژادی" علیه افراد سفیدپوست بویژه در زمانهای اخیر در واقع نوعی واکنش متقابل سیاهپوستان علیه راسیسم واقعی آن گروه سفیدپوست نسبت به آنان در زمانهای گذشته میباشد.

- در آمریکای شمالی : در ایالت متحده آمریکا هنوز تا اندازه زیادی رفتارهای نژادپرستانه از سوی افراد نسبتاً زیادی از مردم سفیدپوست علیه سرخ پوستان بخصوص انسانهای سیاه پوست وجود دارد. در کانادا نیز تا حدود کمی کارهایی راسیستی علیه چینی ها و سیاه پوستهای ساکن در آنجا صورت میگیرد.

- در روسیه خشونت های نژادپرستانه یا ناسیونالیستی علیه گارگران مهاجر مشاهده میشود

- در استرالیا نژادپرستی علیه بومیان این سرزمین از سوی سفید پوستها - آنطور که من میدانم - تا حدودی هنوز جریان دارد.

- در اروپا، تا آنجا که من میدانم، نژادپرستی در بسیاری از کشورها مثلاً در کشورهای نیل بشرح زیر وجود دارد :

در آلمان نئو نازی ها که عموماً ادامه همان راسیست-ناسیونالیستهای زمان آدولف هیتلر هستند بالنسبه بسیار فعال بوده و نفوذ زیادی در میان توده های مردم دارند. ایدئولوژی آنها یا

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست در مورد "نه بزرگ مردم به نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی ایران"

نمایش انتخاباتی یازدهمین دوره مجلس رژیم اسلامی در روز جمعه دوم اسفند همانگونه که انتظار می‌رفت، با شکست منفتضحانه رژیم به پایان رسید. این نمایش علی‌رغم تمدید چند باره مدت زمان برگزاری "انتخابات" و تلاش‌های مذبحخانه ارگان‌های تبلیغی رژیم، علی‌رغم عوامفریبی‌ها و التماس‌خامنه‌ای و دیگر سران رژیم، کمتر از یک چهارم واجدین شرایط رای دهنده در این نمایش مسخره رژیم شرکت کرده و بار دیگر با صدائی رساتر از همیشه، "نه" قاطع خود را به جمهوری اسلامی، اعلام نمودند.

"نه" بیش از چهل میلیون نفر از واجدین شرایط، ضمن اینکه پاسخ دندان شکنی به این نمایش انتخاباتی رژیم بود در عین حال فراندومی وسیع و با شکوه مردمی علیه رژیمی بود که با کشتار و جنایات خود را سر پا نگه داشته است. این "نه" بزرگ بار دیگر نشان داد که مردم در ادامه خیزش‌های انقلابی‌شان مصمم هستند که این رژیم را با همه ارکان و اجزایش به زیر بکشند.

شکست این مضحکه انتخاباتی در عین حال بار دیگر نشان داد که اکثریت قاطع توده‌های محروم و تهیدست جامعه، نه تنها امیدی به بهتر شدن زندگی‌شان از طریق صندوق آرا رژیم ندارند، بلکه با این رویگردانی عمومی به سوی شرایط و اوضاعی می‌روند که همه این صندوق‌های آغشته به خون فرزندان‌شان را بر سر جانان حکومتی خراب کنند.

توده‌های میلیونی کارگران، زنان و جوانان جویای زندگی و امید به آینده، بار دیگر نشان دادند که مدت‌ها است هیچگونه اعتمادی به این نوع نمایش‌های انتخاباتی ندارند و بجای آن مطالبات و خواسته‌های خود را با مبارزاتشان در خیابان و در محل‌های کار و زیست‌شان پیش می‌برند. چنانکه در دی‌ماه ۹۶ و آبان خونین و دی‌ماه سرخ ۹۸ با عزمی انقلابی، این رویکرد را نشان داده‌اند.

شکست مضحکه انتخاباتی رژیم بدون تردید یک پیروزی بزرگ برای جنبش‌های آزادیخواهانه در ایران است و جنبش سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را در موقعیت بهتری قرار داده است. و بیت رهبری و نیروهای سرکوبگر را به صرافت بیشتری برای "محکم کردن کمر بند" هایشان قرار خواهد داد.

برای مقابله با تلاش‌های مذبحخانه و ضدانقلابی رژیم، جبهه مبارزه و انقلاب در ادامه این فراندوم باشکوه "بایکوت"، باید بتواند با فراگیر کردن و سراسری کردن اعتصابات کارگری و اعتراض و مبارزه توده‌ای، دستگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکم را فلج کنند و از این رهگذر پیروز هایش را گام بگام تثبیت نمایند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۳ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-

حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

مانند زمان هیتلر ترکیبی از راسیسم و ناسیونالیسم شدید و یا تعدیل یافته و عمدتاً یا تقریباً فقط به ناسیونالیسم شدید محدود شده است. حدود 10 حزب یا گروه سیاسی با اینگونه ایدئولوژی‌ها وجود دارد که اکثراً بسیار کوچک هستند و بزرگترین آنها حزب AfD (آلترناتیو برای آلمان) است. این حزب تعداد زیادی نماینده در پارلمان فدرال و پارلمانهای ایالات دارد ولی در حکومت فدرال شرکت ندارد. نئونازی‌ها به اشکال و درجات مختلف با خارجی‌ها و آلمانی‌های خارجی تبار مقیم آلمان مخالفت میکنند و حتی بعضی از آنها بطور جدی خواهان کشتن این کسان هستند و گاهی اوقات آنان را بقتل میرسانند؛ اکثراً برضد یهودی‌های ساکن آلمان هستند و به اشکال مختلف علیه آنان مبارزه مینمایند؛ عموماً به درجات مختلف بر علیه موجودیت اتحادیه اروپا و عضویت آلمان در این اتحادیه میباشد؛ تلاش میکنند تا در این کشور یک حکومت فاشیستی برقرار سازند؛ و غیره.

در ایتالیا عملیات راسیستی خشونت آمیز بر علیه سیاهپوستان و شاید سایر خارجی‌ها و خارجی تباران ساکن در این کشور فراوان دیده میشود. متأسفانه من در مورد راسیسم در ایتالیا بیشتر نمیدانم.

در فرانسه تا حدودی رفتارهای نژادپرستانه از سوی معدودی از فرانسویان برضد چینی‌ها و سایر خارجی‌ها یا خارجی تباران ساکن در این کشور مشاهده میگردد.

در سوئد برخوردهای راسیستی یا ناسیونالیستی در مدارس دیده میشود. در این کشور حزب نژادپرست AFS حدود دو درصد آراء را در انتخابات عمومی بدست می‌آورد.

حمید پویا

21 اوت 2019

1- این نوشته ترجمه فارسی مقاله‌ای با همین عنوان و بزبان انگلیسی و با تاریخ 21 اوت 2019 میباشد که من سابقاً آن را نوشته‌ام و خودم اکنون آن را به فارسی ترجمه کرده و هنگام این کار اصلاحات بسیار مختصری هم در آن وارد نموده‌ام.

حمید پویا

12 فوریه 2020

نامه سرگشاده به

طیف سچفا اقلیت و همه فدائیانیکه به آرمانهای انقلابی. آزادخواهان و سوسیالیستی
بنیانگذاران سازمان پایبندند.

سلام و درود بر شما

یدی شیوانی

۱- اعتبارفدائی بعنوان مدافع کارگران و زحمتکشان درحافظه تاریخی توده های کارگر و زحمتکش مردم همچنان زنده است و هیچ خیانت و خبائتی نتوانسته این اعتبار و باور را در جامعه به حاشیه رانده نابود کند. این باور در رویکرد جنبشهای اجتماعی گوناگون علیه نظام مستقرتیلوری بارز دارد. کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، هنرمندان نویسندگان، معلمان... که درمقابل دار و درفش رژیم حاکم فدائی و ارایستادگی و مبارزه و مقاومت میکنند. این پشتوانه بزرگی برای همه فدائیان است که میخواهند متحدا درمیان توده های زحمتکش مردم به مبارزه تا سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ادامه دهند.

۲- نباید فراموش کرد که بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی انشعاب درون سازمان چریکهای فدائی خلق در زمانی صورت گرفت که گرایش بخشی از رهبری فدائیان به سازشکاری و حمایت از رژیم تازه بقدرت رسیده شروع به آشکار شدن کرد. جدائی رفقای چریکهای فدائی و انشعاب بزرگ اقلیت سچفا در واقع نمودی از مقاومت بخشی از کارگران، زحمتکشان، روشنفکران، دانشجویان، هنرمندان، زنان و جوانان، خلقهای تحت ستم و استثمار و محرومان جامعه بود که بدرستی به ماهیت تازه به قدرت خزیدگان پی برده و خیلی پیش از وقوع انشعاب در سازمان فدائی درمقابل حاکمیت اسلامی بمقاومت پرداختند و از آن پس نیز چه پیوسته و چه گسسته از سازمانهایی که ادامه دهنده راه فدائی بودند به مبارزه ادامه داده اند. راهی که در خواست ادامه انقلاب تا تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و سوسیالیسم متلبور بوده است. این نیروی اجتماعی در این چهل سال به اشکال مختلف و با دادن هزینه بسیار به مبارزه ادامه داده و اکنون نیز در داخل و خارج کشور از مبارزات صنفی سندیکائی گرفته تا کارگری، سوسیالیستی، محیط زیست، زنان، بیکاران، کشاورزان، حاشیه نشینان، بازنشنگان، حمایت از کودکان، نویسندگان، هنرمندان، سینماگران، خلقهای تحت ستم و استثمار و مبارزه با تبعیضات جنسیتی... حضور دارند.

۳- اگر در دهه های اول پس از قیام توهّم توده ها و توازن قوا به سود حاکمیت، زندان و شکنجه و کشتار و اعدام و پراکندگی و آوارگی

را نصیب انقلابیون کرد، اما امروز که توهّم توده ها فروریخته بحران سراپای رژیم را در نور دیده است و شاهد خیزش های عظیم و قهرمانی توده های زحمتکش هستیم و بدون تردید فدائیان و هواخواهان آن در همه عرصه ها حضور دارند. علاوه بر آن خواست توده های زحمتکش مردم بپاخواسته همان خواست ها و مطالبات و اهدافی است که فدائی برای تحقق آنها از جان مایه گذاشته و به همین صفت نیز شناخته میشود، لذا میتوان مدعی بود که زمینه طبقاتی اتحاد این نیرو در مبارزات جاری علیه رژیم جمهوری اسلامی عملا و در عرصه های متنوع میدان مبارزه وجود دارد. از این رو من هم با امیدواری بیشتر برای تحقق این هدف و درپاسخ به همه آنهایی که این سؤال را در برابر من و نه تنها من بلکه همه انقلابیون فدائی نهادند، به این فراخوان مبادرت کردم.

فراخوان بسیار ساده و روشن است مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم نیاز به این اتحاد دارند، بیانیید متحد شویم. من در این فراخوان چیزی جز بیان خواست نیروی وسیعی از فدائیان را ندارم. برای عملی شدن این ایده به اراده توأم با آگاهی و احساس مسئولیت تک تک رفقا چه آنهایی که متشکل هستند و چه آنهاییکه «منفرد» هستند، بستگی دارد. من هم به نوبه خود اگر نظری داشته باشم در جای خود بیان خواهم کرد و هرکاری که از دستم بر بیاید کوتاهی نخواهم نمود. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست که من عضو آن هستم نیز به همراه بقیه از این فراخوان مطلع خواهد شد و اینکه سازمانهای موجود چه عکس العملی خواهند داشت، نمیدانم.

لذا بمناسبت چهل و نهمین سالگرد سیاهکل این فراخوان را خطاب به همه شما عزیزان منتشر میکنم.

تحقق این امر بستگی به تصمیم و اراده تک تک فدائیان و دیگر انقلابیون و پیشروان جامعه در عرصه های گوناگون دارد و گرنه هیچ معجزه ای در کار نخواهد بود.

پیشنهادی که اکنون در ابتدای راه به نظرم می رسد

۱- اختلافات و درگیریهای شخصی بخاطر هدف بزرگتر کنار گذاشته شوند. اختلافات ارزشی جز در فرقه های آخرالزمانی، در هر جریان اجتماعی وجود دارد و خواهد داشت. گفتگو حول آنها به کشف حقیقت و رشد و تکامل جریان و جمع کمک میکند و نباید مانع همکاری و همفکری در پیشبرد مبارزه مشترک بشود.

از سالها قبل چه در دیدارهای حضوری و چه از طریق نامه و پیام از داخل و خارج از کشور و چه در جلسات متعددی که بمنظور شکل دادن به همکاری نیروهای چپ و کمونیست تشکیل میشد و من در آن جلسات حضور داشتم، از طرف خیلی از رفقا، فعالین جنبش و خانواده ها سؤال میشد که این همه انرژی برای تشکیل سه اتحاد چپ کارگری، اتحاد انقلابی و شورای نمایندگان احزاب و سازمانها و... گذاشته اید، چرا برای اتحاد نیروهای وسیع فدائی که علاوه بر چند سازمان، نود درصد «منفردین» را تشکیل میدهند و در بسیاری از مجامع و حرکت های داخل و خارج حضور دارند، هیچ اقدام موثری صورت نمیگیرد.

گفته میشد که اتحاد فدائیان باتوجه به زمینه تاریخی و طبقاتی، میتواند بخشی از نیاز جنبشهای اجتماعی از جمله جای خالی یک شکل رزمنده مورد اعتماد مردم در شرایط حساس کنونی را پر کند و با کمیت و کیفیت بیشتری جنبشهای اجتماعی در کشور را یاری رساند.

امسال در آستانه چهل و نهمین سالگرد سیاهکل با توجه به تحولات عمیق اجتماعی در چند سال گذشته بویژه در ماه های اخیر، این سؤال با تاکید بیشتری مطرح میشود. در حالیکه از یکطرف شاهد خیزشهای اجتماعی توده های کار و زحمت در اقصی نقاط ایران هستیم و از سوی دیگر نیروهای پیشرو جامعه که باید به سازمانیابی و هدفمند کردن این مبارزات یاری رسانند، در پراکندگی بسر میبرند، چرا نیروهای طیف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) بعلاوه همه فدائیانیکه به آرمانهای انقلابی بنیانگذاران سازمان متعهد باقیمانده اند، با هم متحد نمیشوند؟

هر چند که این ایده خواست قلبی من هم بوده و هست ولی ابتدا کمی تردید داشتم که آیا تحقق این هدف بزرگ با این همه تشتت و فرقه گراییها امکان پذیر میباشد؟

برای امکان پذیر بودن آن دلایل متعددی وجود دارد که مسلما این فراخوان جای طرح و بحث آنها نیست معهدا برای اینکه با رؤیابافی فاصله داشته باشم به دو نکته اشاره میکنم.

نامه سرگشاده به ...

لذا علیرغم اینگونه اختلافات، لازم است از همه امکانات از جمله آشنائی و رفاقت های قبلی، برای گسترش رابطه بطریق اصولی و با رعایت تمام جوانب امنیتی استفاده شود.

۲- با استفاده از امکانات گسترده فضای مجازی و یا جلسات حضوری بزرگ و کوچک در داخل و خارج کشور و انتشار مقالات اقتصادی، اجتماعی، تحقیقی و گسترش هنر مقاومت و مبارزه، ساختن سرودها و کلیپ ها، بررسی ساختارهای اقتصادی اجتماعی موجود جامعه توسط تئوریسین ها، اقتصاددانان و اهالی فن، پیشروان و انقلابیون جامعه را در تدوین برنامه عمل و پیدا کردن راهکارهای درست عملی و واقعبینانه برای مبارزه یاری رساند. در عین حال فضای تحلیلی و سیاسی و علمی و فرهنگی و هنری جامعه را به سود جبهه کارگران و محرومان جامعه تغییر بدهند. ما باید تمام دست اندرکاران این رشته ها را مورد حمایت قرار دهیم.

۳- کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، هنرمندان، استادان، نویسندگان، بیکاران در هر جایی که هستند و خود را از خانواده فدائی میدانند و یا دلشان درگرو رهایی از ستم و استثمار زور و سرکوب است، لازم است در فعالیت سندیکائی، صنفی، سیاسی، انجمن ها و نهاد ها، کانون ها و تشکلهای فعال شوند و به هم کمک و یاری برسانند و در سازماندهی تشکلهای صنفی سیاسی و مدنی جامعه در همان جا و همان رشته که حضور دارند، دست در دست هم نهند و به همدیگر کمک کنند.

۴- جنبشهای اجتماعی کارگران و زحمتکشان گسترده متنوع و دارای مطالبات گوناگون دموکراتیک و سوسیالیستی و صنفی و سیاسی هستند، بنابراین برای همه فدائیان در هر حوزه ای که بخواهند جا امکان فعالیت هست از مبارزات صنفی و سندیکائی و فرهنگی گرفته تا محیط زیست و از اشکال مختلف اعتراضات کوچک گرفته تا سازماندهی تظاهرات و از اعتصابات عمومی تا بکارگیری شکل عالی تر مبارزه مسلحانه امکان و جا برای هر فعالی وجود دارد. هر رفیقی در هر حوزه ای که فعال است بمثابة یک فدائی بداند که حوزه های دیگر خالی نیست و همزمان فدائی دیگری در آن حضور دارند و آنها اگرچه با ما هنوز ارتباط ارگانیک ندارند ولی رفیق و همزم ما هستند.

۵- با پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل یک سال فاصله داریم در این یک سال و با این وضعیت حساس جامعه نمی دانیم چه رویدادی پیش خواهد آمد. تردیدی نیست که هر تحول انقلابی به نفع توده های طبقه کارگر و زحمتکش جامعه تنها از طریق محافل، شبکه ها، هسته ها، تشکلهای سازمانهای درون جامعه و رهبران عملی جنبشهای اجتماعی در محل کار و زندگی ممکن میشود. تردیدی نیست که نیروهای انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از پیر و جوان و از زن و مرد، بمثابة عناصر پیشرو در محافل، ارگانها و کانون ها، خانواده ها و تشکلهای صنفی و سیاسی کوچک و بزرگ در سراسر کشور حضور مؤثر دارند. قرار گرفتن آنها در زیر یک چتر و در عین حال فعال بودن در هر حوزه ای که حضور دارند و همکاری و ایجاد پیوندهای تدریجی مخفی و نیمه مخفی و علنی، میتواند زمینه بهم رسیدن و هماهنگی سراسری برنامه ای و عملی نیروی رزمنده جنبشهای اجتماعی آتی را فراهم نماید.

۶- آرزو میکنم اراده آگاهانه و هدفمند همه فدائیان و دیگر پیشروان و پیشگامان جنبش های اجتماعی شرایطی را پیش بیاورد که جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه که اکثریت عظیم را در مقابل اقلیت بسیار ناچیز مافیای قدرت و ثروت تشکیل میدهند در کنار خود و در میان خود نیروهای آگاه و رزمنده ای را ببینند که فدائی وار برای تحقق مطالبات صنفی و سیاسی آنها میرزمنند. و امید که با گامهای سنجیده و انقلابی به این پراکندگی غلبه کنیم و به گرامیداشت پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل جلوه ای تازه ببخشیم. در غیر این صورت میماند اینکه از خاوران تا تبعید و از تبعید تا زندان شمع افروخته و زانوی غم در بغل گرفت و بعید است که فدائی ایستاده در صف کارگران و زحمتکشان به چنین کاهلی دچار گشته و به آن تن در دهد.

دست همه شمارا بگرمی می فشارم

یدی-شیشوانی

خ- عمو اوغلی 17 بهمن ماه 1398

در شرایط کنونی و در این برهه از زمان که تمامی نیروهای طرفدار نظم کهنه و طرفداران تحکیم و تثبیت وضع موجود و نمایندگان بخشهای مختلف سرمایه با استفاده از امکانات تبلیغی و ترویجی در سطح داخل و در عرصه جهانی به تبلیغ و ترویج برنامه های خود پرداخته و در حال بسیج و سازماندهی نیرو هستند .

اتحاد فراگیر نیروهای طرفدار سوسیالیسم یعنی نیروی عظیم کار و زحمت بر مبنای مصالح و منافع طبقاتی صرف نظر از مرام ، عقیده ، مذهب و غیره در برابر نیروی سرمایه ، از ملزومات تشکل یابی صفوف کارگران و زحمتکشان و پیروزی جبهه کار و زحمت بر ارتجاع طبقاتی است . ما برای مبارزه عملی مشترک در این راه ، برنامه زیر را به همه نیروهای طرفدار سوسیالیسم پیشنهاد می کنیم :

- 1- ارتقای سطح آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه نسبت به منافع و مصالح طبقاتی و ماهیت نظام سرمایه داری ، ماهیت دولت و نظام جمهوری اسلامی و چشم انداز سوسیالیسم .
- 2- سازماندهی و مشارکت عملی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان و گذار به سوسیالیسم .
- 3- مبارزه برای تحقق برابری زن و مرد ، مبارزه با مردسالاری و کمک به تشکل یابی زنان .
- 4- دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان ، عقیده ، مرام ، مطبوعات ، تشکل ، اعتصاب ، اجتماعات و تظاهرات .
- 5- مبارزه برای جامعه ای سکولار ، جدایی دین از دولت ، برسمیت شناختن حق داشتن و نداشتن مذهب و لغو امتیازات مذهبی .
- 6- ممنوعیت کامل تفتیش عقاید و اعمال شکنجه و لغو حکم اعدام .
- 7- همبستگی بین المللی کارگران .
- 8- برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل تا جدایی کامل .
- 9- مبارزه برای محیط زیست سالم و انسانی .

سیاهکل در پویه زمان و اندیشه نسل جوان

(متن سخنرانی رفیق سالار حسامی در مراسم گرامیداشت حماسه سیاهکل در آلمان - هانوفر).

رهائی طبقه کارگر وتوده های زحمتکش که برای تحقق آن ازجانشان مایه میگذاشتند از خصوصیات انقلابی این رفقا بود که در هر شرایطی پایبندش بودند.

علاوه برشکستن قدردرتی دستگاه های سرکوب و پاشیدن بذر رهائی و ایجاد امید در توده های زحمتکش،گفتن چپ وسوسیالیستی درجامعه بویژه از طریق هنرمندان ، شعرا و نویسندگان آزادیخواه ومترقی که تمامی آنها با الهام گرفتن از مبارزات چریکهای فدائی بود، درجامعه گسترش بی سابقه ای یافت .وسرانجام طولی نکشید که این تلاشها، این صداقت ها و کردارهای انقلابی، در پیام مسلحانه بهمن ۵۷ تبلور یافت و سازمان چریک های فدائی خلق ایران به بزرگترین سازمان چپ درخاورمیانه تبدیل شد.

این حقیقتی است که حتی دشمنان رنگارنگ قسم خورده ی جنبش انقلابی و کمونیستی هم با تمامی امکانات و هزینه های هنگفتی که

در اختیارشان گذاشته میشه برای مخدوش کردن و بی اعتبار کردن چهره ی انقلابیون ،توان انکار کردن انرا ندارند و دقیقاً بهمین دلیل هم هست که با ساخت فیلم و سریال و شوهای مبتدل و چاپ و انتشار کتب، بسیار سعی در تحریف آنرا دارند نه انکار آن . چرا که بدرستی میدانند نسل جوان که اکثریت جامعه ی امروز ایران را تشکیل میدهند فریب آنها را نخواهند خورد، اغلب جوانانی که هر کدامشان ماهی های سرخی هستند که دیگر ترسی از مرغ صقا ندارند و شناکنان و سرودخوان در رودخانه ی پویان بسوی دریا رهسپارند تا سر اومدن زمستون و شکفتن بهارون را در انقلاب سرخ فریاد بزنند.

۱۹ بهمن ۴۹ و ۲۲ بهمن ۵۷ روی تقارن این دور روز با هم باید کمی مکت کرد . کسی که فکر کند تقارن این دو روز با هم کاملاً اتفاقی هست، سخت در اشتباه است، چرا که در بهمن ۵۷ آن ایده ی والایی که نطفه ای ترین شکل آن در حمله به پاسگاه سیاهکل تبلور یافته بود در تسخیر پادگانها توسط **ادامه در صفحه ۶**

فقط برخورد نقادانه به ساختارهای اقتصادی - اجتماعی جامعه و بر آن اساس تدوین تئوری مبارزه مسلحانه بود، بلکه درعین حال عمل به آن نیز بود.

کاربست این آموزش سوسیالیسم علمی، که تئوری تنها در عمل محک میخوره و در یک بازخورد انتقادی خودش را تکمیل میکند .ازیک جمع کوچکی از جوانان انقلابی که هیچ سازماندهی و



نماینده از طبقه کارگر و زحمتکشان نداشتند و طبعاً در آن شرایط هم نمیتوانستند داشته باشند. (همچنانکه امروزه نیز بدلیل تداوم سرکوب و فقدان آزادیهای سیاسی معضل تحزب و تشکل فراگیر و بی پایه طبقاتی بودن سازمانها، همچنان یک معضل است)

اما این آگاهی در آنها آن نیروی برانگیزنده امیدواری را پدید آورد که برغم موانع بیشمار به قیام مسلحانه علیه نظام سرکوبگر و ستمگر حاکم برخاستند. برغم شکست این اقدام نظامی و کشتار و اعدام برپاکندگانشان آن ،اما در فضای بسته ی جامعه که رژیم حاکم هیچگونه صدای مخالفی را برنمیتابید، انگیزه مبارزه انقلابی را درنسل جوان بیدار کرد و برغم کشتار بی رحمانه رژیم وجو شدید سرکوب، گروه گروه از جوانان اعم از زنان و مردان آگاه، آزادیخواه وسوسیالیست رو به صفوف خودش جلب کردند .

صداقت درگفتار و کردار در راه مبارزه برای آزادی وبرابری و کاربست روش های انتقادی منظم از شکست ها و پیروزیها و اعتقاد عمیق به

ادامه از صفحه اول
چهل و نه سال از روزی که پیشتازان جنبش نوین کمونیستی ایران در جنگل سیاهکل بقول شاملو از برای آزادی فریادی در افکندند و جانشان را پشتوانه ی پرتاب آن کردند میگذرد و ما امشب اینجا دور هم جمع شده ایم تا ضمن گرامیداشت این روز ، گذری هم داشته باشیم بر آنچه بر ما گذشت و همچنین تأثیرات مبارزات انقلابیون در اندیشه ی نسل جدید پویندگان راه آزادی و سوسیالیسم و اینکه بعد ازچهل سال سلطه ی استبداد دینی که بدتر از استبداد گذشته است ،ما در کجا قرار داریم ؟

“سیاهکل در پویه زمان و اندیشه نسل جوان ” عنوانی است که من برای بحث امشب در نظر گرفتم، که سعی میکنم خلاصه وار آنرا پیش ببرم و در انتها هم جمع بندی و کلام آخر .

سیاهکل در پویه زمان

بحث را در این بخش با این شعر از شفیعی کدکنی که بی مناسبت هم نیست آغاز میکنم :
چنان که ابر گره خورده با گریستنش چنان که گل، همه عمرش مسخر شادی است چنان که هستی آتش اسیر سوختن است تمام پویه ی انسان به سوی آزادی است

حماسه سیاهکل یکی از وقایع تاریخی در کشور ماست که برغم اینکه یک عملیات مسلحانه کوچک بود و از لحاظ نظامی هم با آن تعریف کلاسیک که از پیروزی شده ، با شکست روبرو شد اما بعنوان یک حماسه و یک نقطه عطف در تاریخ جنبش انقلابی و کمونیستی ایران جا گرفته و همچون ستاره ای سرخ می درخشد ،اما چرا؟!

حماسه آفرینان سیاهکل را در پویه زمان، میتوان انسانهای برانگیزنده و خودآگاهی به حساب آورد که تلاش کردند از راه پژوهش و تحقیق در دهه چهل به این سوال پاسخ دهند، که در شرایط استبداد و خفقان آریامهری برای خلاصی از ستم و استثمار و زور و سرکوب ،چه باید کرد؟

در این راهجویی بزرگترین فضیلت این رفقا نه

سیاهکل در پویه زمان و اندیشه نسل جوان

توده های مردم با شعار "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم" به بار نشست و نه تنها ماهی سیاه کوچولوی ما و رودخانه پویان را به دریای توده ها پیوند زد، بلکه به تمامی کسانی که در پیله های پوسیده شان به فلسفه بافی مشغول بودند و سیاهکل را "عصیان ناشی از یأس چند روشنفکر" می دانستند، ثابت نمود که سیاهکل از یک درک صحیح و اصولی مارکسیسم - لنینیسم نشأت گرفته، درکی که نقطه ی عزیمت خودش را بر این اصل استوار ساخت که نقد یک پدیده در تئوری به هیچ وجه کافی نیست، بلکه باید انتقاد نظری را با انتقاد عملی توانم کرد و پدیده را در تئوری مورد انتقاد قرار داد و در عمل دگرگون کرد، یعنی درست عملی که چریک های فدائی کمونیست در ۱۹ بهمن ۴۹ انجام دادند و نتیجه اش را همگان در پویه ی زمان به عینه در بهمن ۵۷ دیدند.

سخن کوتاه کنم، در واقع اهمیت سیاهکل در پویه زمان پاسخ گفتن به مسائل مبرم جنش در آن شرایط مشخص بود و صد البته با خصلتی بیکارجویانه و با برخوردی انتقادی به میراث گذشتگان و با مداخله فعال در مبارزه طبقاتی از طریق روی آوری به عمل انقلابی.

اما حماسه سیاهکل در اندیشه نسل جوان میخوام به این نکته اشاره بکنم که حماسه سیاهکل در اندیشه نسل جوان، یعنی هم سن و سال های من و جوانترها و کلا نسل دهه شصت به بعد چه جایگاهی را داراست؟

همانطور که اشاره کردم و شما هم میدونید در دهه ۴۰ این علامت سؤال در برابر فعالین جنبش بویژه چپ ها و کمونیست ها قرار داشت، که در شرایط استبداد و خفقان و سرکوب هرگونه آزادیهای سیاسی و مدنی، انقلابیون و پیشروان جنبش های اجتماعی چطور میتوانند با توده های مردم تحت ستم و استثمار ارتباط برقرار بکنند و از طرف آنها مورد اعتماد قرار بگیرند، به عبارت ساده تر ارتباط ارگانیک بین توده و پیشرو را تامین بکنند؟

پاسخ به این سؤال از جمله و در وجه عمده اش دست به سلاح بردن و آغاز مبارزه مسلحانه بود

با اهدافی که همه شما میدانید و اینجا فرصت پرداختن و یا اساسا نیاز به پرداختن به آن نیست. اکنون سؤال این است، بعد از چهل سال سلطه ی استبداد دینی که بدتر از استبداد گذشته است، ما در کجا قرار داریم؟

حیرت آور است وقتی میبینیم که بعد از گذشت نزدیک به ۵۰ سال در اندیشه برای برون رفت از وضعیت موجود و موانع و ضعف های سر راه مبارزه با نظام سرکوبگر حاکم، باز هم همان سؤال با علامتی بمراتب بزرگتر! در مقابل انقلابیون و جوانها قرار دارد. با این تفاوت که در آنموقع سازمانهای سیاسی انقلابی و فعالین باتجربه در داخل بودند و در خود جامعه به راهجویی مشغول بودند در حالیکه جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش کارگری ضعیف و شاید بجز اعتصابات جهان چیت و شرکت واحد ما شاهد تحركات زیادی نبودیم. بر این زمینه حماسه آفرینان سیاهکل به سؤال مزبور جواب دادند.

اما اکنون در شرایطی که شاهد اعتصابات متعدد کارگری هستیم و خیزشهای عظیم توده ای را در سالهای اخیر پشت سر گذاشته ایم و رژیم با بحرانهای متعددی دست بگریبان است و توده های مردم آشکارا خواستار آزادی و عدالت اجتماعی و سرنگونی کلیت رژیم هستند. و دیوارهای استبداد بوسیله تکنولوژی ارتباط جمعی که محدودیت تبلیغ و ترویج دهه ۴۰ راناممکن ساخته است کما کان نیروهای انقلابی در پراکندگی و عدم ارتباط ارگانیک با طبقه اجتماعی که مدعی نمایندگی فکری آنرا دارند مواجه هستند. بدلیل عدم پیوند پیشرو با توده و در نتیجه بازتاب مبارزات در حرف و شعار و نه در عمل، که لیست بلند بالائی را شامل میشود مبین این واقعیت است که برغم تلاشهای فراوان نیروهای انقلابی، اما هنوز همان علامت سؤال یعنی چگونگی ارتباط ارگانیک پیشرو با توده و طبقه برجای خود باقی است و در مقابل هر انقلابی مسئولی مطرح و جواب میطلبد.

منظورم را ساده تر بیان کنم وقتی ما جوانترها پای در راه مبارزه میگذاریم و ما هم میبینیم که جنبشهای اجتماعی و اعتصابات کارگری در نبود

تشکل و تحزب زیر فشارهای شدید اقتصادی و سیاسی گاه طوفان وار و گاه همچون صاعقه ای ظهور میکنند و به خونین ترین نبرد دست میزنند اما بدون تشکل و آگاهی لازم طبقاتی و رهبری که بتواند آنها را از پیچ و خم مبارزه به سمت پیروزی رهنمون شود، قرین موفقیت نمیشوند، وقتی که چنین موانع و کمبودهایی را ملاحظه میکنیم (که البته بیماریهای ناشی از این بی ارتباطی باتوده ها هم درسازمانهای سیاسی مشهود است)

مثل نسلهای گذشته دنبال پاسخ هستیم و دنبال چه باید کردی که همه ما با آن مواجه ایم.

براستی در شرایط حساس کنونی فاصله بین پیشرو و توده پر شور در خیابان و کارخانه را چگونه میتوان از میان برداشت و از چه راهی و با چه بنیاد نظری و روش عملی میتوان ضمن شرکت سازمانیافته در مبارزه، اعتماد آنها را جلب نمود و...؟

در تلاش برای یافتن پاسخ به همین سئوالات وقتی به تجربه تاریخی مراجعه میکنیم اگرچه همه تجربیات گذشته ارزشمند و درس آموز است اما سیاهکل تمام قد در اندیشه نسل جوان مبارز برجسته میشود، هنگامیکه هرگونه ازادیخواهی و حق تشکل اش و خواسته هایش با سرکوب بی رحمانه طبقه حاکم مواجه میشود در اندیشه جوان، سیاهکل با تمام ضعف های ممکنه درسهای زیادی دربر دارد. از جمله تحلیل وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه، بررسی تضادهای موجود و تدوین تئوری براساس آن داده ها، به آزمون عملی نهادن آن با وثیقه جان و تن بدون کوچکترین تزلزلی، صداقت در گفتار و کردار یعنی راست گفتاری و درست کرداری، و ارائه شخصیتی سالم، مهربان و دادرس و مبارز در محل کار و زندگی که از جمله منشا مشروعیت و محبوبیت فدائی در میان مردم عادی کوچه و خیابان و کارخانه و مزرعه شد. نقد منظم راه طی شده بدون لاپوشانی و یا پشت گوش انداختن آن برغم تیغ سرکوب و کشتار، اهمیت دادن به مباحث تئوریک و دست آوردهای قابل اتکاء در بدترین شرایط امنیتی، تلاش وحدت طلبانه در جنبش و سرانجام تاثیر دگرگون کننده و الهام بخش در ادبیات و هنر.

سازمانی که برای اولین بار در سطح گسترده،

سیاهکل در پویه زمان و اندیشه نسل جوان

زنان در چهارچوب آن در سطح وسیع در رده های رهبری به ایفای نقش پرداختند. و سرانجام اقبال وسیع توده ای و... موارد درخشانی است که در اندیشه جوان کارگر، زحمتکش، دانشجو وزن و مرد امید به راهیابی و پیروزی را شعله ور میسازد. و به ما الگو میدهد که امید را از دست ندهیم و حقیقتاً در این شرایط جولان سیاهکل در اندیشه ما با همه درسهایش به تکیه گاه بزرگی میماند که انسان را به جلو میراند، قوی میکند و امیدوار میسازد. اندیشه هائی که در مبارزات روزمره بر غم پراکنگی و بی سازمانی آن تبلور مییابد. هنوز سرودهای الهام گرفته از سیاهکل و مبارزات آندوره در جمع های جوانان مبارز و اجتماعات به آنها از لحاظ فکری و عملی نیرو و انرژی میبخشد، سیاهکل در اندیشه هرجوانی است که آگاهانه و با مطالعه و نه با احساس، میخاهد پای در راه مبارزه انقلابی بگذارد بعنوان یک تجربه تاریخی بناگزیب همراه میشود و درسهای درخشان آن که من به برخی نکات آن اشاره کردم اندیشه را سرشار از چالش میکند.

تجربه سیاهکل در پویه زمان درسهای گرانبھائی برای نسل جوان امروز در بردارد. نسل جوانی که تمامی قیام ها و اعتراضات سراسری چند سال اخیر بر روی شانہ های آنها پیش رفت، نسل جوانی که امروزه بقول شاعر انقلابی سعید سلطانپور، "تکه تکه و بی حزب" در خانه ها، کارخانه ها و خیابانها و خلوت های نامطمئن شعارهایی نظیر کار، نان، مسکن، آزادی و اداره ی شورایی را فریاد می زنند.

این نسل بدرستی این حقیقت پی برده است که تا زمانی قدرت سیاسی در دست سرمایه دارانی است که به انباشت سرمایه در شرایط سرکوب نیز عادت دارد، هیچ یک از خواسته های توده های مردم تحت ستم و استثمار محقق نخواهد گشت.

و اما کلام آخر تجربه سیاهکل بما گوشزد میکند که بقول نظامی درین منزل که پای از پویه فرسود رسیدن دیر می بینم شدن زود. نقد و پویش در بوجود آمدن حماسه سیاهکل و نتایج و تأثیرات آن نقش بی بدیلی داشته است.

چنانچه این شعر به سادگی و زیبایی بیان می کند اگر پای از پویه فرسوده شود همه چیز میشود شد (آنگونه که خیلی ها مدعی اند) اما به مقصد نتوان رسید.

متأسفانه جنبش چپ در طی چند دهه گذشته توان آنرا را نداشته است که با درک درست و اصولی از قوانین مبارزه طبقاتی و شناخت شرایط ویژه حاکم بر جامعه ی ایران با نیروی عظیم بنیان بر کن کار و رنج ارتباطی تنگاتنگ و ارگانیک برقرار کنند و با گذشت از یک مبارزه پر فراز و نشیب و خونین با پشتوانه چندین دهه، بقول رفیق امیر پرویز پویان، ما نه همچون ماهی در دریای حمایت مردم، بلکه همچون ماهی های کوچک و پراکنده در محاصره تمساح ها و مرغان ماهیخوار به سر می بریم.

متأسفانه جنبش چپ در شرایط کنونی بنا به توان و امکانات محدود خویش ناشی از سرکوب، تبعید و انشعابات متعدد و به تبع آن در غلطیدن بخشی از آن در ورطه سکتاریسم و فرقه گرایی و خود بزرگ بینی، غافل از نقش پیشاهنگ انقلابی در امر سازماندهی توده ها که از اصول مارکسیسم - لنینیسم انقلابی بشمار میرود؛ افتاده است، موج انفعال، روی گردانی از مبارزه فعال، فلسفه بافی های روشنفکرانه بر روی کاغذ و دنیای مجازی و تشکیلات گریزی و تشکیلات ستیزی در میان بخشی از آن اعم از تشکیلات و سازمان ها، روشنفکران و منفردین رواج یافته است.

خطایی بسیار بزرگ است اگر پنداشته شود پویایی انقلاب خود رهبری و سازماندهی را خلق و انتخاب خواهد نمود، بقول لنین "هیچ جنبش انقلابی بدون تشکیلات که رهبری مداوم و پیگیرانه نداشته باشد دوام نخواهد آورد". چهل

و نهمین سالگرد سیاهکل به ما انجام وظایف و پیگیری اهدافی را یادآوری میکنند که هزاران رفیق و ده ها هزار انسان آزادیخواه و سوسیالیست برای تحقق شان جان فدا کردند. اهدافی که انسانی ترین و مبرمترین خواست ها و آمال و ارزوهای نیروی کار و زحمت جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند.

اکنون که جامعه آستان تحولات سرنوشت سازی است و زمینه های عینی تحولات اجتماعی در راستای سرنوشتی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نسبت به گذشته آماده تر و پخته تر شده است، وظیفه ای سترگ و سرنوشت سازی روی دوش نیروهای انقلابی بویژه ما فدائیان که هر ساله با عشق و شور انقلابی یاد حماسه سیاهکل را گرامی میداریم قرار گرفته. باید سکتاریسم و فرقه گرایی را که هیچ سنخیتی با دیدگاه ها و آرمانهای حماسه آفرینان سیاهکل ندارد دور افکنیم تا بتوانیم به نیازهای زمانه و جنبش انقلابی پاسخ دهیم آنچنانکه پیشروان جنبش نوین کمونیستی در گذشته کردند.

رفقای عزیز حضار محترم رفیق احمد زاده در سال ۴۹ میگوید:

"ما چه کار باید بکنیم؟ در برابر جنبش کمونیستی ایران چه راهی قرار دارد؟ جنبش کمونیستی چگونه میتواند خود را به پیشرو واقعی تبدیل کند؟ چگونه میتواند خود را از گنداب محیط روشنفکری که اساساً در آن گرفتار آمده است، بیرون بکشد و با توده ها ارتباط عمیق برقرار کند؟"

اینها سوالاتی است روی میز و پاسخ درخور میطلبد.

تشکر از شما و گرامی باد یاد حماسه آفرینان سیاهکل و همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم

تاریخ مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه طبقات استثمارگر و استثمار شونده. میان طبقات فرمانروا و طبقات زحمتکش. برده و آزاد. رعیت و مالک. کارگر و سرمایه دار. یا یکدیگر که مهر و نشان خود را بر تمامی وقایع تاریخ بشر و تحول و تکامل آن بر جای می گذارد. اما تلاش و مبارزه محرومان و زحمتکشان در طول تاریخ. خود انعکاسی از شیوه مسلط تولید و مبادله اقتصادی و جایگاه این طبقات در تولید اجتماعی بوده است. مبارزه بردگان علیه برده داری. از حد لغو برده داری و تلقی رعیت. صنعتکار. پیشه ور و... از آزادی. از چهارچوب رهایی از بند نظام فئودالی و آزادی در مالکیت و کسب و کار و... فراتر نبوده است. هر چند که این مبارزات با آرزوها و تمایلات مساوات طلبانه و آزادیخواهانه توأم بوده اند. تمام طبقاتیکه در گذشته به حکومت میرسیدند تلاش می کردند تا مناسبات بهره کشانه موجود را تثبیت کنند و آنرا تابع خویش سازند. اما با ظهور طبقه کارگر بعنوان نیروی عظیم تولیدی رها از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید. معنی آزادی و برابری دگرگون شد. طبقه کارگر نمی تواند آزاد شود مگر کل جامعه را از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و تقسیم جامعه به طبقات آزاد کند.

رفتن به پای صندوق های «رای» بمنزله تایید سرکوبگری و غارتگری رژیم جمهوری اسلامی است

جمهوری فدراتیو شورایی . آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است . در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوازی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند . اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد . با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید . اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد . دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشروها و عقب نشینیهاست . در جمهوری شورایی با توجه اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم . از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی . یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراهای و نهادهای مردمی قرار می گیرد . در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه ها جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی . دولتی . شرکتهای صنایع و کارخانجات . کارتل ها و تراستها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محترکین بر می افتد . در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از طریق بهره . ربا و نظایر اینها ممنوع و جرم محسوب می گردد و هر شخصی قادر به کار که کار نکند نمیخورد .

بحران جلوگیری کند . اما اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ایران ، منطقه و جهان مبین این واقعیت است که برغم روند بسیار پیچیده پیشروی مبارزات توده های زحمتکش مردم ایران ، این مبارزات گسترش خواهد یافت و نه شعبده بازی انتخابات و نه تشدید سرکوب بیشتر فعالین جنبش های اجتماعی ، راه گریزی برای رژیم باقی نگذاشته است که بتواند اوضاع را به حالت عادی برگردانده و موقعیت خود را تحکیم کند .

بنا بر این شرکت در چنین «انتخاباتی» «بازی در بساط رژیم» است که طی چهارده توده های مردم را از ابتدائی ترین حقوق سیاسی و مدنی خود محروم نموده است . در چنین بازی انتخاباتی نباید شرکت کرد .

در عین حال با توجه به وضعیت حساسی که در آن به سر میبریم تنها شرکت نکردن در انتخابات تاثیر گذاری توده های مردم بر اوضاع سیاسی را تامین نمیکنند . کشور ما در شرایط بسیار حساسی به سر میبرد ما توده های زحمتکش مردم ایران را فرامیخوانیم که نمایش «انتخاباتی» «پیش روی را به صحنه کارزار مبارزه علیه ستم و سرکوب و جنگ و کشتار و مبارزه برای آزادی ، برابری و عدالت اجتماعی تبدیل کنند .

رفتن به پای صندوق های «رای» بمنزله تایید سرکوبگری و غارتگری رژیم جمهوری اسلامی است

به صفوف کارگران ، زحمتکش و آزادیخواهان و به سنگر مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی بپیوندید .

پیروز باد مبارزات انقلابی توده های زحمتکش مردم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی ایران

زنده باد سوسیالیسم 29 بهمن 1398

توده های مردم زحمتکش ایران ؛ کارگران ، زحمتکشان ، زنان ، جوانان ، دانشجویان ..

چند روزی بیشتر به موعد برگزاری «انتخابات» مجلس شورای اسلامی ایران باقی نمانده است .

بلندگوهای مراکز تبلیغاتی و رسانه ای جمهوری اسلامی از مدت ها قبل تبلیغات خود را حول «انتخابات» بمنظور داغ کردن تنور آن تشدید کرده اند و از طرف منتصین نظام برای جلب آراء ، در گوشه و کنار کشور سیرک های مضحکی براه افتاده است . اگر در گذشته به قصد عوامفریبی ، نسبت به «آزاد» بودن «انتخابات» اطمینان میدادند ، امروز که حنای آنها رنگ باخته و توده های زحمتکش مردم در اعتراضات کارگری و اعتراضات گسترده امسال و بویژه درخیزش آبانماه خواستار سرنگونی رژیم حاکم در کلیت آن شدند ، دیگر صحبت از «آزاد» بودن «انتخابات

» نمیکنند . این بار با توصل به شعارهای ناسیونالیستی و میهن پرستی کاذب ، نظیر «اگر ایران را دوست دارید به پای صندوقهای رای بروید!» وارد میدان شده اند و در حالی از مردم میخواهند ایران را دوست داشته باشند و در پای صندوقهای رای حاضر شوند که خون بیش از هزار و پانصد جانباخته آبانماه بر اسفالت خیابانها و کوچه های ایران خشک نشده است و از سرنوشت هزاران دستگیر شده از توده های محروم و زحمتکش ، اطلاعی در دست نیست و سران رژیم در برابر این سؤال که چند نفر کشته و زخمی و چه تعداد اسیر شده اند؟ با لبخند تمسخر از جواب دادن خودداری میکنند . رژیم اسلامی در حالی دم از «انتخابات» «میزند که توده های مردم درخیزشهای عظیم خود با شعارهای «نابود باد جمهوری اسلامی» «انتخاب خود را کرده اند و نظام حاکم در هراس از خیزشهای عظیم ترو بنیان برافکن تر توده های مردم در آینده ، در تلاش است با تشدید سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگران و دستگیری فعالین کارگری ، روزنامه نگاران و فعالین جنبشهای اجتماعی از اعتراضات گسترده توده ای آتی در فرایند تشدید

پیام سازمان راه کارگر به

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و سازمان فدائیان (اقلیت)

به مناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل

سازمان ما سالروز رستاخیز سیاهکل را به رفقای فدایی و همه رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم شادباش و تهنیت می-گوید. خوشبختانه در چندسال گذشته، تلاشهای مشترک برخی از جریانات چپ و کمونیست، از جمله سازمان فدائیان خلق (اقلیت)، اتحاد فدائیان کمونیست، هسته اقلیت، حزب حکمتیست، حزب کمونیست ایران و سازمان راه کارگر، توانسته است با درس گیری از تجارب گذشته و تاکید بر مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم و سرنگونی رژیم سرمایه داری اسلامی، اقدامات مشترک و صدای نسبتا واحدی را در راستای تقویت آلترناتیو سوسیالیستی طرح کند. با احترام به سنن فداکاری و جانفشانی و دلاوری پیشگامان جنبش سیاهکل و فدایی، به ترسیم سیمای یک چپ جدید باورمند به سوسیالیسم که آزادی و برابری و حاکمیت مستقیم و بی واسطه انسان و دفاع از محیط زیست در مرکز توجه آن است، تلاش کند. باردیگر به همه شما سالروز رستاخیز سیاهکل را تبریک میگوییم و دستتان را برای نزدیکی و همکاریهای بیشتر و گسترده تر میفشاریم.

**جاودان باد یاد و خاطره
رزمندگان سیاهکل**

**زنده باد آزادی، زنده باد
سوسیالیسم**

**سازمان راه کارگر بهمن ماه
۱۳۹۸**

برای حفظ منافع یک درصدی های حاکم بر جهان ماست. در عین حال نیروی چپ در زیر آوار ناشی از شکست-های سهمگین (فروپاشی بلوک شوروی، انقلاب بهمن) برای بقای هویت خود تلاش میکند. شرایطی که در آن، جستجو برای برون رفت از موقعیت کنونی به مراتب دشوارتر و وظایفی که پیشرو ما قرار دارد سخت پیچیده-تر از هر زمانی است که جنبش چپ با آن روبه-رو بوده است. در این شرایط چپ بیش از هر زمان دیگر نیاز دارد که دستگاه مفهومی خود را با روح انقلابی رزمندگان سیاهکل و با اتکا به دانش مبارزه طبقاتی صیقل دهد تا با آمادگی بیشتر در نبردهای پیشرو انجام وظیفه کند.

رفقا، انقلاب ۵۷ و خیزشهای بزرگ ۸۸ و دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ نشان داد که پیروزی نیروی آزادی و برابری، جنبش چپ و ترقیخواه، محتمل نیست. چپ باید خود را برای تحولات بزرگ آماده کند. سنگر بندی توده ای در میان مردم محروم و پیوند خوردن با آنان و تجدید آرایش در چپ را بعنوان یک ضرورت به الویت اصلی خود تبدیل کند. تجارب جنبش های اجتماعی در ایران و جهان، تجارب جنبش کمونیستی، جنبش کارگری و جنبش سوسیالیستی را بیاموزد و بکار گیرد. در عین حال از پیشگامان جنبش فدایی، که نامشان گویای وفاداری به آرمان رهایی مردم، سازش ناپذیری درمقابل دیکتاتوری و ازخود گذشتگی بیدریغ و فداکاریهای بی نظیر و شجاعت در تلاش در جهت پیداکردن راههای تازه نبرد و مبارزه است، یاد بگیرد. یادبود رستاخیز سیاهکل اگر نخواهد به یک امر آیینی تبدیل شود و پاسداری از سنن انقلابی یاران اگر نخواهد به یک امر فرمایشی تبدیل شود، راهی جز خانه تکانی و تجدید آرایش چپ وجود ندارد.

رفقای گرامی شادباش های ما را بمناسبت سالروز رستاخیز سیاهکل بپذیرید. نزدیک به نیم قرن از ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ میگذرد و همچنان جانفشنان سیاهکل همچون ستاره هایی درخشان در آسمان مبارزه مردمان ایران میدرخشند. اقدام چهل و نه سال پیش رزمندگان دلیر در سیاهکل، در شرایطی صورت پذیرفت که سرکوب، سانسور و سکوت در «جزیره ثبات شاهنشاهی» حاکم بود و دشواری مبارزه برای آزادی و برابری و ترقیخواهی، با ساواک و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ میگرفت، در شرایطی که حاشیه نشینان صحنه سیاست آیه یاس می خواندند و راهی برای برون رفت از وضعیت دشوار مبارزه پیدا نمیکردند، رفقای رزمنده سیاهکل، تلاش برای تغییر شرایط را با اتخاذ مشی مبارزه مسلحانه و با ایثار جانهای شفته شان آغاز کردند. گرچه تاریخ نشان داد که مشی مبارزه مسلحانه چریکی، برای سازمان دادن انقلاب مردم و تقویت مبارزه ترقیخواهانه و پیشرو نمیتواند راهکار مناسبی برای سازمان دادن اراده و آگاهی اجتماعی طبقه کارگر و توده کار و زحمت باشد و این طبقه را برای رهبری جامعه و تغییر تناسب قوای اجتماعی و طبقاتی و تحقق آزادی و برابری آماده کند. بی سبب نبود که علیرغم رنج ها و هزینه های انسانی بسیار و دستگیری ها و شکنجه ها و اعدام های گسترده پیشروان جنبش چپ، این جنبش نتوانست در انقلاب ۵۷، در مقابل هیولای روحانیت و جنبش اسلامی بایستد و مانع از شکست انقلاب مردم ایران شود.

رفقا، ما اکنون در شرایطی به سر می-بریم که سرمایه داری جهانی در بحرانی عمیق بسر میرود و سیاست حاکم بر جهان ما، برپایه غارتهای عظیم، مداخلات نو استعماری، زبان زور و تحریم و جنگ و محاصره،

گزارشی از مراسم چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در هانوفر آلمان

امسال هشتم فوریه، نوزده بهمن ماه ۹۸، بمناسبت چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل مراسم مشترکی از سوی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و سازمان فدائیان «اقلیت» در شهر هانوفر آلمان برگزار گردید که با استقبال پرشور فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روبرو شد و نزدیک به ۱۷۰ نفر در این مراسم حضور یافتند. شرکت کنندگان در مراسم علاوه بر استماع سخنرانیها در بحث و گفتگو طرح سؤال از سخنرانان فعالانه شرکت کردند.

در این مراسم رفیق توکل از سازمان فدائیان (اقلیت) درباره «اعتلای انقلابی، قیام آبانماه ۱۳۹۸، موقعیت انقلابی، انقلاب و تاکتیکها و وظایف نیروها و سازمانهای کمونیست» سخنرانی کرد و در قسمت دوم رفیق سالار حسامی تحت عنوان «سیاهکل در پویه زمان و اندیشه نسل جوان» سخن گفت.

در این مراسم شعرخوانی توسط شاعر و نویسنده، رفیق احسان حقیقی نژاد و موسیقی بوسیله هنرمند کرد، کاک علاء صالحیان اجرا شد. اشعاری نیز توسط شمی صلواتی و نیز متنی بمناسبت حماسه سیاهکل توسط رفیق باقر ابراهیم زاده قرائت شد.

سپس پیام سازمان راه کارگر به مراسم سیاهکل توسط رفیق باقر ابراهیم زاده قرائت شد و اجرای قطعاتی توسط هنرمند کرد کاک علاء صالحیان و شعرخوانی رفیق احسان حقیقی نژاد، و سرود خوانی پایان بخش این مراسم بود.

متأسفانه این مراسم مصادف شد با فوت ناگهانی رفیق اردشیر صیادی یکی از فعالین شهر هانوفر که شرکت کنندگان در مراسم را با غم و اندوه از دست رفتن وی همراه کرد و اداره کنندگان مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت یادو خاطره او را گرامی داشتند.

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - بیستم بهمن ماه ۱۳۹۸

« این سرزمین چه بی دریغ بود »

گرامی یاد و خاطره ی خسرو گلرخی و کرامت دانشیان دو ستاره تابناک جنبش کمونیستی ایران که «برای جانان چانه نزدند».



این سرزمین من چه بی دریغ بود که سایه مطبوع خویش را بر شانه‌های ذوالاکتاف پهن کرد و باغها میان عطش سوخت و از شانه‌ها طناب گذر کرد این سرزمین من چه بی دریغ بود ثقل زمین کجاست من در کجای جهان ایستاده‌ام با باری ز فریادهای خفته و خونین ای سرزمین من! من در کجای جهان ایستاده‌ام؟

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر می شود. برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org



نشریه سیاسی و تحلیلی کار کمونیستی علاوه بر انعکاس مواضع نظرات و تحلیل های سازمان. انعکاس دهنده مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه های مختلف نیز هست. تحریریه نشریه از میان مطالب رسیده انتشار مطالبی را انتخاب و در الویت قرار خواهد داد که مستقیماً برای این نشریه ارسال شده باشند لذا انتظار داریم انعکاس این مطالب در سایر نشریات و سایت ها با ذکر منبع و نام نویسنده صورت گیرد. از طریق ایمیل ادرس زیر نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورائی !